

## بصر

### نواب نصیر شلال، سرمربی تیم ملی وزنه‌برداری شد



کره جنوبی برگزار می‌شود. بهمن زارع و وحید ربیعی به عنوان مربی در کنار نواب نصیر شلال فعالیت خواهند کرد.

قهرمان المپیک لندن به عنوان سرمربی جدید تیم ملی وزنه‌برداری منصوب شد. فدراسیون وزنه‌برداری تکلیف سرمربی تیم ملی را مشخص و نواب نصیر شلال را به عنوان سرمربی جدید تیم ملی انتخاب کرد. نصیر شلال، قهرمان المپیک لندن، زمانی که سجاد انوشیروانی سرمربی تیم ملی بود، به عنوان مربی فعالیت می‌کرد و اکنون هدایت تیم ملی را بر عهده گرفته است. پیش از این سعید علی حسینی سرمربی تیم ملی بود که در بهمن سال جاری از سمتش کناره‌گیری کرد. تیم ملی وزنه‌برداری ایران برای حضور در مسابقات کسب سهمیه المپیک آماده می‌شود و نزدیک‌ترین مسابقه‌ای که در پیش رو دارد، قهرمانی آسیا ۲۰۲۳ است که اردیبهشت‌ماه در

## میراث

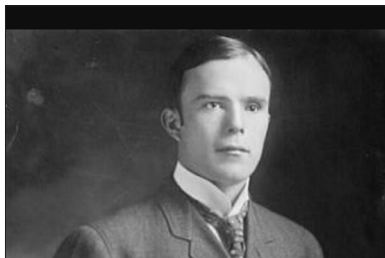
### حمام قیصریه سبزوار



مدرسه فخریه، سرای حقیران و محله کلاه فرنگی از چند سال پیش که عملکرد اصلی خود را از دست داد متروکه شده بود تا اینکه مالکین بنا با همکاری میراث فرهنگی سبزوار قسمتی از آن را احیا کردند. حمام قیصریه سبزوار مربوط به دوره قاجار است و در تاریخ ۱۳۸۰ هـ. ش با شماره ثبت ۴۶۶۸ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

## حافظه تاریخی

### روزی که «مورگان شوستر» از ایران اخراج شد کارشکنی اقتصادی روسیه در ایران



«مورگان شوستر» آمریکایی که به تصویب مجلس شورای ملی برای سروسامان دادن به مالیه ایران و ایجاد یک خزانه نوین برای ما استخدام و وارد ایران شده بود ۱۳ اسفندماه ۱۲۹۰ (۱۳ مارس ۱۹۱۲) و با اولتیماتوم روسیه از ایران خارج شد. استخدام او بدون جلب موافقت قبلی انگلستان و روسیه صورت گرفته بود که طبق موافقت نامه دوجانبه سال ۱۹۰۷ سنپترزبورگ وطن ما را میان خود به مناطق نفوذ قسمت کرده بودند! شوستر پس از تأسیس یک خزانه‌داری کل برای ایران و اعلام این واقعیت که تا ایرانیان عادت به دادن مالیات؛ به میزان واقعی نکنند این کشور از بدبختی و دشواری‌ها خارج نخواهد شد، یک واحد پلیس مالیات و حافظ خزانه‌داری مرکب از عده‌ای ژاندارم تشکیل داده بود که روس‌ها با این کار او هم موافق نبودند. شوستر پیشنهاد کرده بود که (به مانند آمریکا) تعلق در پرداخت مالیات جریمه سنگین و تقلب در آن کیفر زندان و سلب القاب (سلطنته، دوله و ...) داشته باشد. دولت تزار روسیه که نمی‌خواست وضعیت مالی دولت ایران سروسامان یابد و استعراض از خارج با بهره سنگین و دادن امتیازهای سیاسی دیگر را متوقف سازد (به اشاره لندن) هشتم آذرماه ۱۲۹۰ خورشیدی (۲۸ نوامبر ۱۹۱۱) به ایران یک اولتیماتوم سه ماده‌ای تسلیم کرده بود که ماده اول آن اخراج شوستر و ماده دیگری خودداری از استخدام خارجی بدون جلب موافقت قبلی روسیه و انگلستان بود؛ مجلس شورای ملی این اولتیماتوم را رد کرد که ۱۴ آذر (۱۴ دسامبر) دولت روسیه به ایران اخطار کرد که اگر ظرف ۴۸ ساعت مفاد اولتیماتوم را اجرا نکنند نیروهای آن کشور که به حرکت درآمده‌اند وارد تهران خواهند شد. در این میان بزم خان رئیس پلیس تهران (از ارمنه و مجاهدان مشروطیت) به مجلس اندرز داد که به صلحت است اولتیماتوم روسیه را بپذیرد که مجلس پذیرفت و چهار روز بعد مراتب به شوستر ابلاغ شد که دیگر سمتی ندارد و پلیس او (پلیس مالیات) نیز منحل شده است. شوستر درخواست غرامت کرد و در بهمن ماه غرامت مورد مطالبه او پرداخت و یک مهلت چند هفته‌ای نیز به وی داده شد تا ایران را ترک کند. شوستر پس از بازگشت به آمریکا خاطرات خود از اقامت در ایران شامل مشاهدات و ضعف‌هایی را که دیده بود

منبع: روزنامک

## با همی و از نگاه همی



### فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

نقد شعر «جنگ بود» از حمیدرضا بصیرت

### وقتی خیابان‌های زیادی، به هم می‌رسیدند، اما ما نه!

آیا این زن «سربازها و زن‌های زیادی» را زمین‌گیر می‌کند و از حیض انتفاع خارج می‌کند یا نه؟ آیا این زن هنوز در دور دست‌ها ایستاده است و از زاوی فاصله گرفته یا به وصال رسیده است؟ شاعر می‌گوید: «وقتی خیابان‌های زیادی، به هم می‌رسیدند، اما ما نه!» پس شاعر تا اینجا به عشقی عرفانی فکر می‌کند و معشوقی که دست‌نیافتنی است و همه را زابرا کرده است، مولوی می‌گوید: «این روا باشد که من در بند سخت/ گه شما بر سبزه گاهی بر درخت ... عاشقم بر لطف و بر قهرت به جد/ بوالعجب ما عاشق این هر دو ضد» راوی در پلان بعدی آب پاکی روی دست خود و مخاطب می‌ریزد: «جنگ بود و تو دیگر معشوقم نبود، رنگ روی لب‌هام نبود، علامت روی تنم حتی/ که خونی بود و علامت حیاتی‌ام/ وقتی برقی چشمانم می‌رفت جنگ بود/ و من مرتب به تو زنگ می‌زدم/ همین‌طور مرتب به تو زنگ می‌زدم/ به دخترتم و بیولن را که با صدای خرس کوک می‌کرد/ به دخترم پول تو جیبی‌اش را که می‌شمرد/ در دخترم که به من می‌گفت «فرمانده» جنگ بود وقتی هیچ زنی به اندازه تو زیبا نبودمردی در خیابان نبود و ماشین حسابتا بدانم گلوله چند نفر را از پا درآورد/ جنگ بود ... من دوباره کشته‌های زیادی می‌دادم!» پیش از این‌ها نزار قبانی و محمود درویش بودند که «وطن» را با «زن» و «تن» در هم می‌آمیختند و یکی می‌کردند ولی در عرفان فروغی‌رفتنند و در سطح می‌ماندند. حمیدرضا بصیرت در پلان نخستین این دفتر هم از زنی زیبا می‌گوید که مثل هیچکس نبود. فعل «نبود»، ما را به سمت گذشته می‌برد که آیا این زن هنوز عامل «کشته‌های زیادی» می‌شود یا نه؟

## تفسیر

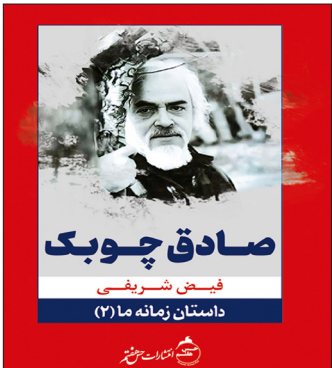
### تحلیلی بر مجموعه داستان زمان ما (نقد و بررسی آثار صادق چوبک) حذف چوبک از ادبیات ممکن نیست



### علی بوروجردی

منتقد ادبی

ما همه چیز داشتیم؛ نمایندگان متعدد در سبک و سیاق‌های مختلف. وقتی هدایت‌علوی و جمال‌زاده شروع کردند اصلا نمی‌شد پیش‌بینی کرد کسی می‌آید که ناتوریالیستی می‌نویسد، یکی رئالیسم ابتدایی، یکی رئالیسم جادویی و یکی سیال ذهن آن‌هم وقتی خود هدایت سورئالیسم مدنظر برتون و هم‌قطارانش را به‌درستی درک کرده و نمونه ایرانی‌شده آن را اجرا کرده بود. در این بین چوبک بیشترین گرایشش به مکتب امیل زولا بود توانست نمونه‌های موفق در ادبیات فارسی از خود به یادگار بگذارد. چوبک مرموز بود و برخلاف بعضی نویسندگان که با حذف آن‌ها از ادبیات داستانی فارسی اتفاق خاصی نمی‌افتد قابل نیست. او در رمان سنگ صبور توانست از جریان سیال ذهن برای انعکاس ذهنیت شخصیت‌های داستان به شیوه تک‌گویی استفاده کند و اثر ماندگار و جاودانه‌ای را به مخاطبان ادبیات عرضه کند. چوبک در بعضی داستان کوتاه‌های خود ناموفق بوده و داستان در طرح مانده است هرچند در جزئیات تصاویر مستند و بعضاً اغراق‌آمیزی از عصر خود پیش روی خواننده ترسیم می‌کند. فیض شریفی در جلد دوم مجموعه نقد و بررسی داستان زمان‌ما کارنامه ادبی صادق چوبک را معرفی و نقد نموده است. کتابی ارزشمند که به جزئی‌ترین مسائل ادبی و حواشی زندگی چوبک پرداخته، به‌گونه‌ای که از جلسه خصوصی چوبک و رحمانی هم نگذشته است. این کتاب نیز مانند دوجلد دیگر که به نقد و بررسی آثار هدایت و گلشیری اختصاص یافته است با خویشتن‌نگاری صادق چوبک



آغاز می‌گردد و به معرفی اجمالی آثار چوبک می‌پردازد. در شروع توضیح و نقد مجموعه داستان خیمه‌شب‌بازی به تعریف طنز می‌پردازد و طنز دهنخدا، جمال‌زاده، صادق هدایت و چوبک را در ردیف طنز صادق‌پوری (طنز غریبی) قرار داده است. پس از طرح سوال مهم و به‌جای رئالیسم یا ناتوریالیسم بودن چوبک در نه‌ایات اعلام می‌کند کفه ترازوی چوبک به سمت مکتب ناتوریالیستی گمی‌دوموپاسان و امیل‌زولا سنگینی می‌کند. در صفحات بعد به معرفی المان‌های مکتب ناتوریالیسم می‌پردازد که از جمله می‌توان ارجح دانستن نظام محافظه‌کاری بر نظام انقلابیون، تاثیر وراثت، عشق‌محوری به شکل خواست جسمانی، افراط در شرح جزئیات و ... را نام برد. شریفی به نقد و بررسی داستان‌های مجموعه داستان خیمه‌شب‌بازی می‌پردازد و نقاط ضعف و قوت این داستان‌ها را برای مخاطب شرح می‌دهد و پس از آن به توضیح، تفسیر و نقد بررسی داستان‌های کتاب «انتری که لوطی‌اش مرده بود» می‌پردازد. «داستان چورا دریا توفانی شد» را می‌ستاید و توصیفات او را از دریا هم‌پای توصیفات کتراد و همین‌گویی می‌داند. شریفی پس از داستان مذکور به نقد و بررسی داستان قفس پرداخته که یک داستان سمبولیک است و نظریات براهنی و علی تسلیمی را در مورد این داستان بیسان می‌کند. و در انتها به بررسی داستان انتری که لوطی‌اش مرده بود می‌پردازد. یکی از نقاط مثبت این کتاب این است که شریفی متن این داستان‌ها را برای فهم بهتر مخاطب در کتاب گنجانده است و همین باعث می‌شود خواننده آن‌ا منظور و مدلول نگارنده کتاب را در یابد. در صفحه ۱۱۵ کتاب بالاخره نقدپوریسی معروف‌ترین اثر چوبک، رمان تنگسیر آغاز می‌گردد که پس از بیان تلاش‌های مخالفان این رمان در جهت تخریب آن به بررسی آن



ایزابلا کوالسکا و ایبورک - لهستان

## زنگار

خرم تن عارفان که بدیدند و بدانستند که دنیا را در وقت مرگ به دیگران همی باید گذاشتن، هم اکنون به دیگران بگذاشتند.

چو بیداد کردی توقع مدار که نامت به نیکی رود در دیار

## منتقدان

**رده‌بندی هومل:** دسته بندی سنگ‌های آذرین به گونه‌ای که هر سنگ با یک فرمول دو بخشی که در یک قسمت آن نسبت‌های مولکولی اکسیدها و در قسمت دیگر درصد کانی‌های اصلی ارائه شده است، نمایش داده می‌شود.

## مجازستان

- دلار کلا ۴۵ دقیقه روی ۶۰ تومن بود. بعد الان هر جنسی می‌خوای بخری طرف می‌گه با دلار ۶۰ تومنی وارد شده. (Redmption)
- قانون برگشتن با اکس هم مثل قانون زمین افتادن خوراکیه، نهایت تا ۳ روز وقت داری آشتی کنی، تایمش بگذره باید بندازیش جلو سگ. (هاشم قیج)
- خواهرم پنج سالشه از الان می‌گه من می‌خوام بزرگ شدم آهنگ‌ساز بشم. اون‌وقت من بچه بودم می‌خواستم بزرگ شدم راننده تاکسی بشم کولر بزم همه دعام کنن:))) چیه این نسل جدید واقعا. (Mobina)
- هفته آخر منتهی به عید رو باید تعطیل کنن واقعا، هفته بعد از سیزده به‌درم باید تعطیل کنن، کلا برج ۱ رو باید تعطیل کنن، بهارم که کلا حوصله کار کردن نیست، همگی باهم بگیریم بخوابیم تا تابستون. (آقای ملیچک)

## دستان

### کپکشانکی که تمام دوستانش را خورد!

یک کپکشان در کیهان نسبتاً اولیه به نام ۳۴ ۲۹۷ به طور اسرارآمیزی کاملاً تنها است. در حالی که محیط اطراف آن نشان می‌دهد باید بخشی از خوشه‌های متشکل از دست‌کم ۱۰۰ کپکشان باشد که برخی از آنها باید اندازه‌های مشابه کپکشان راه شیری ما داشته باشند. تنها بودن کپکشان ۳۴ ۲۹۷ نشان می‌دهد که باید اتفاقی برای همه کپکشان‌های دیگر رخ داده باشد. دانشمندان می‌گویند که به نظر می‌رسد ۱.۲ میلیارد سال قبل این کپکشان تمام دوستانش را خورده باشد. اولتینا میساکلیا، ستاره‌شناس از دانشگاه تورینو در ایتالیا می‌گوید: به نظر می‌رسد که ما یک خوشه کپکشان داریم که تقریباً همه کپکشان‌هایش را از دست داده است. ما انتظار داشتیم دست‌کم ۱۲ کپکشان به اندازه کپکشان راه شیری ببینیم، اما فقط یک کپکشان می‌بینیم. داده‌های مربوط به محیط اطراف ۳۴ ۲۹۷ از رصدخانه پرتو ایکس چاندرا به دست آمده است که تابش پرتو زری از منابع قدرتمند در سراسر کیهان را مطالعه می‌کند. این کپکشان کبود منبع این تابش و میزبان یک اختروش است. اختروش یک هسته کپکشانکی فعال است که حاوی یک سیاهچاله بسیار بزرگ بوده که مواد را با سرعت زیادی می‌بلعد. اختروش‌ها به طور معمول پرتوهای پلاسمايي از نواحی قطبی ابرسیاهچاله هسته خود ساطع می‌کنند و فواره‌هایی از ماده را با سرعتی نزدیک به سرعت نور، به فضا می‌فرستند. این مواد از آن‌چه در اطراف افق رویداد سیاهچاله می‌چرخند، ایجاد می‌شوند.

یکی از جت‌ها به گونه‌ای خم شده است که نشان می‌دهد در حال تعامل با گاز در یک میان‌خوشه کپکشانکی است. جت دیگری یک منبع پرتو ایکس در فاصله ۱۴ هزار سال نوری از کپکشان ایجاد کرده است که نشان می‌دهد به گاز برخورد کرده و باعث گرم شدن آن و انتشار اشعه ایکس شده است. علاوه بر این، داده‌های چاندرا نشان می‌دهد که مقادیر زیادی گاز داغ در فضای اطراف ۳۴ ۲۹۷ وجود دارد. هر سه مشخصه در کنار هم نشان می‌دهند که کپکشان‌های دیگری باید از نظر گرانشی با ۳۴ ۲۹۷ به عنوان یک میان‌خوشه کپکشانکی تعامل داشته باشند.

در واقع، به نظر می‌رسد کپکشان‌های دیگری در همان بخش از آسمان باید وجود داشته باشند. بنابراین میساکلیا و همکارانش برای درک بهتر فضای اطراف ۳۴ ۲۹۷ به داده‌های رصدخانه نوری و فرسرخ چمنای در هاوایی روی آوردند. این داده‌ها نشان داد که ۱۹ کپکشان، تنها در دو بُعد با ۳۴ ۲۹۷ نزدیک هستند. فاصله آنها از ما بسیار متفاوت از فاصله ۳۴ ۲۹۷ از ما است و به یک منطقه از فضا تعلق ندارند.

بنابراین کپکشان عجیب و غریب ۳۴ ۲۹۷ در واقع کاملاً تنها است. این سرخ‌نخا نشان می‌دهد که کپکشان ۳۴ ۲۹۷ نتیجه ادغام خوشه‌های کپکشانکی غول‌پیکر است که با عنوان «گروه فسیلی» شناخته می‌شوند. خان مادریه، ستاره‌شناس دانشگاه تگزاس، توضیح می‌دهد: ما فکر می‌کنیم کشش گرانشی یک کپکشان بزرگ همراه با فعل و انفعالات بین کپکشان‌ها بسیار قوی بوده و آن‌ها با کپکشان بزرگ ادغام شده‌اند و مقاومت کارساز نبوده است.

این اولین گروه فسیلی است که ستاره‌شناسان تاکنون شناسایی کرده‌اند، این بدان معناست که چنین ادغام‌هایی ممکن است خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد، در طول عمر کیهان رخ داده باشند و ممکن است لازم باشد در چگونگی ادغام کامل خوشه‌های کپکشانکی تجدیدنظر کنیم.